ISSN: 2345-2234

Journal of Literary – Qur'anic Researches

http://paq.araku.ac.ir

Conjunctive Relations and the Construction of Israelites' Excuse-Making in Surah al-Baqarah: A Textual Cohesion Analysis Based on Halliday and Hasan

Hedayatallah Taghizadeh [a*], Saeid Velayati Anaqiz[b]

[a] Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Farhangian University, P.O. Box 889-14665, Tehran, Iran
[b] Master's Graduate, Department of Arabic Language and Literature, Tehran, Iran

KEYWORDS

conjunctive relations,
textual cohesion,
Halliday and Hasan's model,
Israelites' excuse-making,
Qur'anic education

Received: 19 July 2026;
Accepted: 01 November 2026

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/paq.2026.2095045.4168

ABSTRACT

This study adopts a linguistic and educational approach to examine the role of conjunctive cohesive devices in the gradual construction of the Israelites' excuse-making in ayahs 67–74 of Surah al-Baqarah. Its main objective is to identify the functions of additive, adversative, causal, and temporal conjunctions in shaping the discourse of delay, resistance, and outward compliance, drawing on Halliday and Hasan's theory of textual cohesion. The study employs a descriptive–analytical method and qualitative textual analysis of the selected Qur'anic ayahs, supported by authoritative exegetical sources and a theoretical framework of textual cohesion. The findings indicate that additive conjunctions, with 36 occurrences (51.42%), expand the process of excuse-making through the gradual accumulation of questions and specifications. Adversative conjunctions, with 10 occurrences (14.30%), highlight the contrast between the divine command and the people's response, creating discursive tension between the Israelites and Prophet Musa. Causal conjunctions, with 8 occurrences (11.42%), organize the internal logic of questions, responses, and consequences, while temporal conjunctions, with 16 occurrences (22.85%), reveal the step-by-step sequence of events and the gradual process of delay and compliance. These four types of conjunctive relations contribute to textual cohesion, with additive conjunctions being the most frequent, followed by temporal, adversative, and causal conjunctions. The study demonstrates that textual cohesion in these ayahs functions not merely as a linguistic mechanism but also as a meaningful and pedagogical resource. From an educational perspective, applying Halliday and Hasan's framework to Qur'anic narratives can help move Qur'anic instruction beyond surface-level recitation and translation towards a deeper structural, critical, and pedagogical understanding of the text.

* Corresponding author.
E-mail address: drtaghizadeh@cfu.ac.ir

پژوهش‌های ادبی- قرآنی، دوره ۱۲، شماره ۲، سال ۱۴۰۳، صفحات ۹۰ تا ۱۰۷

شاپا: ۲۲۳۴-۲۳۴۵

پژوهش‌های ادبی- قرآنی

بررسی کارکرد پیوندهای ربطی در تبیین کنش‌های بهانه‌جویانه قوم بنی‌اسرائیل در سوره بقره بر مبنای نظریه انسجام هالیدی و حسن

هدایت الله تقی‌زاده[الف*]، سعید ولایتی آناقیز[ب]

[الف] دانشیار گروه آموزش زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی۸۸۹ -۱۴۶۶۵ تهران،ایران، drtaghizadeh@cfu.ac.ir

[ب] فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات عربی، تهران، ایران، Saeidvelayati1393 @gmail.com

واژگان کلیدی

پیوندهای ربطی، انسجام متنی، هالیدی و حسن، بهانه‌جویی قوم بنی‌اسرائیل، آموزش قرآن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۸/۱۰

مقاله علمی پژوهشی

چکیده

این پژوهش در تلاش است تا با رویکردی زبان‌شناختی و آموزشی، به بررسی پیوندهای ربطی در بازنمایی تدریجی بهانه‌جویی قوم بنی‌اسرائیل در آیات ۶۷ تا ۷۴ سوره بقره، بپردازد. مهم‌ترین هدف، این است که کارکرد پیوندهای افزایشی، تقابلی، سببی و زمانی در شکل‌دهی گفتمان تعلل، مقاومت و اطاعت ظاهری این قوم بر اساس نظریه انسجام متنی هالیدی و حسن، مشخص شود. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر تحلیل کیفی آیات مشخص شده است و داده‌ها با اتکا به تفاسیر معتبر و چارچوب نظری انسجام متنی بررسی شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که پیوندهای افزایشی، در 36 مورد و از طریق انباشت تدریجی پرسش‌ها و ویژگی‌ها، فرآیند بهانه‌جویی را گسترش می‌دهند؛ پیوندهای تقابلی، در ۱۰ مورد و تضاد میان فرمان الهی و واکنش قوم را برجسته کرده و تنش گفتمانی بین آن قوم و حضرت موسی(ع) ایجاد می‌کنند؛ پیوندهای سببی، در 8 مورد و منطق درونی پرسش‌ها، پاسخ‌ها و نتایج را سامان می‌دهند؛ و پیوندهای زمانی هم در ۱۶ مورد، توالی مرحله‌به‌مرحله رویدادها و روند تدریجی تعلل و اطاعت را آشکار می‌سازند. پیوندهای ارتباطی به ترتیب، افزایشی با ۵۱/۴۲ درصد، زمانی با ۲۲/۸۵ درصد، تقابلی با ۱۴/۳۰ درصد و سببی با ۱۱/۴۲ درصد، موجب انسجام متن شده‌اند. مشخص شد که انسجام متنی در این آیات، صرفاً ابزاری زبانی نیست، بلکه کارکردی تربیتی و معنایی دارد. از منظر آموزشی، به‌کارگیری نظریه هالیدی و حسن در تحلیل قصه‌های قرآنی می‌تواند شیوه‌های آموزش قرآن را از سطح قرائت و ترجمه فراتر برده و به درک ساختاری، انتقادی و تربیتی متن ارتقا دهد.

۱. مقدمه

در همه متون، یک نوع هماهنگی و انسجام میان عبارات‌ها و جملات وجود دارد. هالیدی و حسن معتقد هستند که یک متن، با عبارت‌ها و جملاتی که دارد، فهمیده می‌شود و نه با حجمی که دارد (Halliday & Hassan , 1976: p1-2). به همین دلیل، نظریه انسجام متن را برای نخستین بار، مطرح کردند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۳) و این، همان نظریه‌ای است که ارتباط میان عبارت‌ها و جملات را نشان می‌دهد (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۴۰۲: ۱۶). قرآن کریم، یک متنی زبانی با ساختاری دقیق است که هر جزء آن، در خدمت انتقال معنا و مفهوم به مخاطبان خود است. از دیگر سو،

* نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیک: drtaghizadeh@cfu.ac.ir

قصه‌های قرآنی، از مهمترین ابزارهای تربیتی این کتاب آسمانی‌اند؛ زیرا مفاهیم عمیق اعتقادی و اخلاقی را در قالب روایت‌هایی زنده و قابل فهم عرضه می‌کنند.

یکی از زیباترین داستان‌های قرآنی، داستان گاو ماده بنی‌اسرائیل است. علامه طباطبائی، این داستان را به‌عنوان معجزه‌ای برای اثبات معاد و زنده‌شدن مردگان می‌داند (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱/ ۱۹۹). در این زمینه و از نگاه تمدن ایرانی- اسلامی، داستان‌های قرآنی که با نام احسن القصص شناخته می‌شوند، مهمترین منبع دینی برای آموزش اخلاق و روش درست زندگی کردن، به‌حساب می‌آیند. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های رفتاری در قصه‌های قرآنی، بهانه‌جویی پی‌درپی قوم بنی‌اسرائیل است؛ این رفتار نه به صورت دفعی، بلکه به گونه‌ای تدریجی و مرحله‌به‌مرحله شکل می‌گیرد. قرآن کریم، این فرایند را با دقتی زبانی بازنمایی می‌کند و مخاطب را با گام‌به‌گام با روند تبدیل پرسش به اعتراض و سپس به لجاجت آشنا می‌سازد. در آموزش قرآن کریم، توجه به این تدریج‌مندی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا ریشه‌های زبانی و فکری انحراف رفتاری را تشخیص دهند و میان «سؤال سازنده» و «بهانه‌جویی مخرب»، تمایز قائل شوند.

۱. ۱. بیان مسأله

زبان‌شناسان، انسجام متن را روابط درون متنی در نظر گرفته‌اند که بر جملات یک متن، استوار است (جلالی، ۱۳۸۸: ۱۸). هالیدی، انسجام را همان ارتباط معنایی، لفظی، نحوی و منطقی یک متن می داند (تیموی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۹). به دیگر سخن، انسجام متن، روابط یک عنصر از جمله را با دیگر عناصر پیش و پس از خود، نشان می‌دهد (ملاابراهیمی و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۰). هالیدی و حسن در زمینه پیوندهای ربطی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای انسجام متنی، چهار تقسیم‌بندی انجام داده‌اند: ۱. افزایشی، ۲. تقابلی، ۳. سببی، ۴. زمانی. (Halliday & Hassan, 1984: p 238 - 239). به‌طوری که یک جمله‌ای، یا محتوایی را به جمله پیشین خود می‌افزاید، گاه خلاف جمله پیش را بیان می‌کند، گاه علت و سبب جمله پیشین را گفته و گاهی هم یک توالی زمانی بین جملات برقرار است. انسجام متنی در قرآن کریم، می‌تواند راهی برای درک بهتر معجزه بودن آن باشد؛ چرا که نشان می‌دهد که هر بخشی از یک متن، با بخش‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کند. اینگونه روابط معنایی شکل گرفته و معنا کامل می‌شود (لطفی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

آیات ۶۷ تا ۷۴ از سوره مبارکه بقره، اشاره به داستان بهانه‌جویی قوم بنی‌اسرائیل در برابر فرمان الهی دارد. مردی از قوم بنی‌اسرائیل، یکی از نزدیکان خود را به قتل رساند. آنگاه او را در میان راه انداخت. بعد از آن آمد و خون بهای او را خواست. اینگونه شکایت را پیش حضرت موسی(ع) بردند و ماجرای ذبح گاو شروع شد (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۰۴). همچنین نقل است که پیرمردی در قوم بنی‌اسرائیل بود. او پسری داشت. برادرزاده‌های آن پیرمرد، آن پسر را کشتند تا وارثان او شوند. جنازه‌اش را به دروازه شهر انداختند و دیه او را خواستند (زمخشری، بیتا: ۱/ ۱۴۸). حل این مسأله، از طریق عادی غیر ممکن بود و به همین دلیل، حضرت موسی(ع) با یاری خداوند و با کمک خواستن از او، مشکل را حل نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۰۱). این آیات «راجع به داستان «بقره» یا گاو بنی‌اسرائیل است و به خاطر همین قصه بود که سوره مورد بحث، به همین نام «سوره بقره» نامیده شده است» (امین، ۱۴۰۰: ۱۷۵).

خداوند، در این آیات، ابتدا به حضرت موسی (ع) دستور می‌دهد تا برای پیداکردن قاتل، گاوی را با مشخصات

یازده‌گانه در قرآن کریم، ذبح کنند و به بدن مرده بزنند. اما قوم بنی‌اسرائیل شروع به بهانه‌جویی می‌کنند؛ ابتدا درباره نوع گاو پرسیدند، بعد رنگ و ویژگی‌هایش. بعد از این که تمام ویژگی‌ها مشخص شد، نزدیک بود که دستور خداوند را اجرا نکنند. این جستار با بررسی پیوندهای ربطی، در پی آن است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. پیوندهای ربطی چگونه به شکل‌گیری تدریجی بهانه‌جویی قوم بنی‌اسرائیل کمک می‌کنند؟

۲. تحلیل این پیوندها چه کاربردی در آموزش قرآن توسط قرآن‌آموزان دارد؟

۱. ۲. ضرورت و اهمیت بحث

این پژوهش می‌تواند همکاران و معلمان قرآن را قادر سازد تا با توجه به ساختار زبانی آیات، روش تدریس خود را با استفاده از فرآیندی پویا ارتقا دهند. آنها با نشان دادن نقش ابزارهای پیوندی در داستان‌های قرآنی، نگاه قرآن‌آموزان را فراتر از سطح خواندن و ترجمه می‌برند و به درک ساختاری و رفتاری ارتقا می‌دهند. نظریه انسجام هالیدی و حسن با تمرکز بر سازوکارهای پیونددهنده در متن، ابزار دقیقی برای کشف روابط معنایی و منطقی میان اجزای کلام فراهم می‌کند. آیات مربوط به رفتارهای بهانه‌جویی بنی‌اسرائیل، از نمونه‌های شاخص روایت‌های تربیتی و معرفتی است که ساختار جمله‌بندی و نحوه اتصال گزاره‌ها، نقش اساسی در انتقال پیام دارد. از سوی دیگر، پژوهش‌های بین‌رشته‌ای میان زبان‌شناسی و مطالعات قرآنی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی یافته‌اند، اما هنوز خلأهای مهمی در زمینه تحلیل انسجامی آیات وجود دارد. تمرکز بر پیوندهای ربطی، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین عناصر انسجام، می‌تواند به غنای این حوزه کمک کند و الگویی پژوهشی برای مطالعات مشابه در سایر بخش‌های قرآن فراهم آورد.

۱. ۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر تحلیل کیفی متن بر اساس نظریه هالیدی و حسن است. جامعه مورد بررسی، آیات ۶۷ تا ۷۴ سوره بقره و واحد نمونه هم آیات قرآنی است. از آنجا که بررسی همه عوامل انسجام متنی از حوصله این پژوهش خارج است، تنها بخش پیوندهای ربطی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین پژوهش حاضر، بر اساس طبقه‌بندی هالیدی و حسن، در قالب روابطی چون افزایشی، تقابلی، علّی و زمانی دسته‌بندی شده و نقش آن‌ها در پیوستگی معنایی آیات و بازنمایی رفتار بهانه‌جویانه بنی‌اسرائیل تحلیل می‌شود. در مرحله تحلیل، پژوهش می‌کوشد نشان دهد که چگونه کاربرد این پیوندهای ربطی در ساختار آیات، به انسجام متن و انتقال دقیق پیام‌های تربیتی، بلاغی و معنایی کمک کرده است. از این رو، روش توصیفی - تحلیلی در این پژوهش، هم برای شناسایی و توصیف داده‌های زبانی و هم برای تفسیر کارکردهای معنایی و گفتمانی آن‌ها به‌کار گرفته می‌شود. داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری و در آخر هم نتایج به صورت کمّی، نشان داده شده است.

۱. ۴. اهداف تحقیق

این پژوهش در تلاش است تا نقش پیوندهای ربطی (افزایشی، تقابلی، سببی و زمانی) را در بازنمایی فرایند تدریجی بهانه‌جویی قوم بنی‌اسرائیل و در آیات ۶۷ تا ۷۴ سوره مبارکه بقره، بر اساس نظریه انسجام متنی هالیدی و حسن، بررسی نماید. شناسایی پیوندهای ربطی به‌کاررفته در آیات ۶۷ تا ۷۴ سوره مبارکه بقره، دسته‌بندی پیوندهای ربطی موجود در

آیات بر اساس الگوی انسجام هالیدی و حسن، بررسی نقش پیوندهای ربطی در ایجاد انسجام و پیوستگی معنایی آیات، تحلیل کارکرد پیوندهای ربطی در تبیین کنش‌ها و واکنش‌های بهانه‌جویانه قوم بنی‌اسرائیل، نشان‌دادن ظرفیت نظریه انسجام هالیدی و حسن در تحلیل متون قرآنی از جمله اهداف جزئی پژوهش است.

۱. ۵. پیشینه تحقیق

تحقیقاتی در رابطه با نظریه انسجام متن هالیدی و حسن انجام گرفته است که در ادامه به مهمترین آنها پرداخته می‌شود:

مایسا یحیی ابوعثره و اشینیدا علاءالدین(۲۰۲۵) در با رویکرد هالیدی و حسن، ابزارهای انسجام دستوری در آیات سوره کهف مورد بررسی قرار گرفته و به این نتیجه رسیده‌اند که عناصر انسجام دستوری، به‌ویژه ارجاع، حذف، جانشینی و پیوندهای ربطی، نقش اساسی در ایجاد پیوستگی معنایی و ساختاری میان بخش‌های مختلف آیات سوره کهف دارند. تیموری و همکاران (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان «*تحلیل مولفه‌های انسجام در سوره نبأ براساس الگوی فرا نقش متنی هالیدی*» به بررسی عوامل انسجامی قرآن با تأکید بر نظریه هالیدی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مهمترین عامل پیوند و همبستگی در سوره نبأ، عناصر واژگانی، لغوی و عنصر تکرار با ابعاد مختلفش می‌باشد. اسکندری و سعیدی (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان «کاربست عناصر انسجام متن براساس نظریه هالیدی و حسن در غزلی از حافظ و ترجمه روسی آن» به عناصر انسجامی از جمله پیوندهای ربطی در متن و ترجمه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که کاربرد عناصر انسجامی دستوری، در غزل حافظ، بیشتر از ترجمه آن می‌باشد. به همین دلیل، غزل، منسجم‌تر و پیوسته‌تر از ترجمه آن است. نورائی‌نیا و فراتی (۱۴۰۳) تحقیقی باعنوان «کارکرد پیوندهای انسجامی جانشینی در مفهوم‌شناسی"کفر" با تکیه بر آیات سوره بقره و با استفاده از نظریه مایکل هالیدی» را انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیوندهای جانشینی از نوع جمله‌ای و فعلی به ترتیب بیشترین و کمترین نقش را در خلق و گسترش انسجام معنایی هم‌راستا با هدف محوری سوره بقره، که تبیین جریان هدایت الهی و پرهیز از بدعت‌گذاری و عدم برخورد گزینشی در مواجهه با دعوت انبیاء الهی و کتاب‌های آسمانی است، در آیات مورد نظر برعهده داشته و در نتیجه سطح دلالی این آیات را در باب مفهوم‌شناسی کفر در سوره بقره افزایش داده است؛ ضمن آنکه توانسته تا دلالت پیوسته، منسجم و قاطعی از گفتمان خداوند در باب کفر و رویکرد تقابلی اهل کفر در مواجهه با جریان هدایت الهی را به‌نمایش بگذارد. موسوی‌پناه (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان «مقاربة لسانية لآليات الترابط النصّي في الدعاء السابع من الصحيفة السجادية على ضوء منهجية رقية حسن و مايكل هاليداي»، انسجام متنی در دعای هفتم از صحیفه سجادیه را بررسی و به این نتیجه رسیده است که به‌کارگیری ادوات انسجام متنی مانند تکرار، ربط، وصل، حذف و ... منجر شده تا متن، انسجام یابد و همچون یک جمله متحد شود که هدف واحدی را دنبال می‌کند. زارع‌آفرین و روستایی (۲۰۲۳) در تحقیقی با عنوان «السبک في النص القرآني وفقا لنظرية هاليداي و حسن (سورة طه نموذجا)»، ضمن تبیین رابطه ساختار و معنا، با تمرکز بر چگونگی پیوند معنایی میان اجزای متن قرآنی و نقش آن در یکپارچگی معنایی آیات پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که ارجاع صفات، از بسامد بالایی در این سوره برخوردار بوده و باعث پیوند میان همه آیات شده است. مختاری و خدابخش‌نژاد (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «تحلیل زیباشناسی آیات قرآن کریم بر پایه عنصر انسجام و پیوستگی؛ بررسی نمونه‌ای سوره‌های جزء سی‌ام»، با استفاده از نظریه هالیدی و حسن به تحلیل روابط متنی در سوره‌های مختلف

قرآن در جزء سی، پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که عنصر انسجام و مؤلفه‌های آن، نقش مهمی را در آشکار کردن زیبایی‌ها و اسرار آیات منتخب دارد. پیرانی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «انسجام پیوندی و جلوه‌های زیبایی آن در مقامه ساویه حریری»، به پیوندهای ربطی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که ادوات پیوندی، در انسجام متن مقامه‌های ادبی، از نقش بالایی برخوردار است.

مطالعات انجام شده در حوزه انسجام متنی بر مبنای نظریه هالیدی و حسن، بیشتر به تحلیل ابزارهای انسجامی در متون ادبی، قرآنی و آموزشی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر از این جهت دارای نوآوری است که با تمرکز بر پیوندهای ربطی، نقش این عناصر زبانی را در بازنمایی و تبیین کنش‌های بهانه‌جویانه قوم بنی اسرائیل مورد مطالعه قرار داده است. درواقع، این پژوهش صرفاً به شناسایی انواع پیوندهای ربطی اکتفا نکرده، بلکه کارکرد معنایی و گفتمانی آن‌ها را در شکل‌گیری رفتارها و توجیه‌گری و بهانه‌جویی قوم بنی‌اسرائیل تحلیل می‌کند.

۲. مبانی نظری

۲. ۱. هالیدی و حسن

مایکل هالیدی و رقیه‌حسن از مهمترین نظریه‌پردازان زبانشناسی کاربردی و تحلیل متن هستند. آنها، نظریه انسجام متنی را در سال ۱۹۷۶م مطرح کردند (سیدی و قلعه‌جوقی، ۱۳۹۸: ۱۱۴). هالیدی، زبان را وسیله‌ای برای ایجاد معنا و انسجام متنی می‌داند و به پیوندها و روابط معنایی بین جمله‌ها توجه ویژه دارد. او همچنین در رابطه با زبان معتقد است که یک نهاد اجتماعی و حتی بخشی از نظام اجتماعی است (نورائی‌نیا و فراتی، ۱۴۰۳: ۴۴). به همین دلیل از زبان، به‌عنوان ابزاری برای انتقال معنا و برقراری ارتباط استفاده می‌شود (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۱۶). هالیدی و حسن با بررسی عوامل انسجام متن، طبقه‌بندی پیوندهای (افزایشی، تقابلی، سببی و زمانی) را تدوین کردند.

۲. ۲. نظریه انسجام متنی

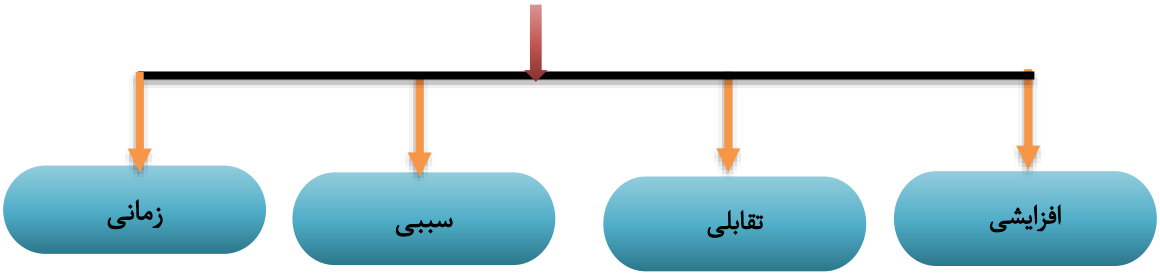
هالیدی و حسن روابط معنایی بین عناصر درون متن را «انسجام متنی» نام‌گذاری کرده‌اند (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴). آنها معتقد هستند که «انسجام، به کلیه روابط اطلاق می‌شود که عنصری از یک مجموعه را با عنصری از جمله‌های قبل مرتبط می‌کند» (سلطانی، ۱۳۹۶، ۱۵۶ - ۱۶۱). به دیگر سخن، «انسجام، مجموعه‌ای از منابع زبان‌شناختی است که هر زبانی در اختیار دارد و از آن برای پیوند یک بخش از متن، به بخش دیگر استفاده می‌کند (هالیدی و حسن، ۱۳۹۳، ۱۲۶). از مهترین اشکال انسجام متن، انسجام پیوندی است که عبارت است از «وجود ارتباط معنایی بین جمله‌های یک متن» (آقاگل زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

۲. ۳. کارکرد پیوندهای ربطی

هالیدی و حسن، سه مرحله را برای بررسی انسجام متن طراحی کرده‌اند که عبارتند از: انسجام دستوری، انسجام واژگانی و انسجام پیوندی (احمدی و استواری، ۱۳۹۰: ۱۱). با توجه به حجم مقاله، فقط انسجام پیوندی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

نمودار شماره ۱: نمودار پیوندهای ربطی





نمودار ۱: مدل مفهومی نظریه پیوندهای ربطی

در ادامه این چهار مرحله، در آیات ۶۷ تا ۷۴ سوره مبارکه بقره، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

۲. ۳. ۱. پیوند افزایشی

از نظر هالیدی و حسن، پیوند افزایشی[1] به رابطه‌ای اطلاق می‌شود که در آن، یک گزاره بدون تغییر جهت معنایی، به گزاره پیشین اضافه شود (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۸۵: ۱۱۵) به دیگر سخن، «رابطه افزایشی، وقتی برقرار می‌شود که جمله‌ای در رابطه با محتوای جمله قبلی، مطلبی را به متن اضافه کند» (آذرنژاد، ۱۳۸۵: ۴۳). این نوع پیوند، کارکرد گسترش اطلاعات، توضیح بیشتر با تأکید را برعهده دارد و انسجام متن را از طریق انباشت معنا، تقویت می‌کند (احمدی و استواری، ۱۳۹۰: ۱۳). پیوند افزایشی در ادامه و در آیات ۶۷ تا ۷۴ سوره مبارکه بقره مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲. ۳. ۱. ۱. پیوند افزایشی با صفت

یکی از مهمترین شاهدمثال‌ها برای پیوند افزایشی، صفت می‌باشد که برای گاو ماده بنی‌اسرائیل شمرده شده و موجب افزودن معنا و صفاتی بر متن قرآن گردیده است. صفت چون مطلبی را بر متن می‌افزاید، می‌تواند موجب پیوند افزایشی شود. در این میان، می‌توان به اولین صفاتی که حضرت موسی(ع) برای این گاو برمی‌شمارد، اشاره کرد: (لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ ...) (۶۸)؛ قرآن کریم در این بخش، سه صفت برای آن گاو می‌شمارد: پیر نشده است « لَا فَارِضٌ» وجوان هم نیست «وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ» و بین این دو تا می‌باشد«عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ». این سه صفت پشت سر هم آمده‌اند و باعث ایجاد پیوند افزایشی شده‌اند. اما در ادامه قرآن کریم و در جواب بهانه‌جویی مکرر قوم بنی‌اسرائیل، سه صفت دیگر برای آن گاو برمی‌شمارد؛ (صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ ...) (۶۹)؛ زرد رنگ است «صَفْرَاءُ»، یک روشنی دارد «فَاقِعٌ لَوْنُهَا»، این رنگ زرد روشن باعث می‌شود که همه کسانی که آن را می‌بینند، شاد و خوشحال بشوند «تَسُرُّ النَّاظِرِينَ»

قوم بنی‌اسرائیل به بهانه‌جویی خود ادامه می‌دهند و این باعث می‌شود که قرآن کریم، پنج ویژگی دیگر برای آن می‌آورد: (لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا ...) (۷۱)؛ در ادامه همان صفات، اینگونه وصف می‌کند که یک گاو رامی نیست «لَا ذَلُولٌ» که زمین را شخم بزند «تُثِيرُ الْأَرْضَ» و با او، گشت‌زارها را آبیاری نمی‌کنند «وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ» و یک گاوی تندرست « مُسَلَّمَةٌ» و یک رنگ می‌باشد «لَا شِيَةَ فِيهَا». این صفات باعث پیوند افزایشی شده‌اند و نقش مهمی در افزایش متن دارند:

جدول شماره ۱: پیوند افزایشی با صفت

ردیف	صفت	معنا
۱	لَا فَارِضٌ	نه پیر
۲	وَلَا بِكْرٌ	نه جوان

1. Additive Conjunctions

۳	عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ	میانسال بینابین
۴	صَفْرَاءُ	زرد رنگ
۵	فَاقِعٌ لَوْنُهَا	رنگش روشن
۶	تَسُرُّ النَّاظِرِينَ»	بینندگان را شاد می‌کند
۷	لَا ذَلُولٌ	نه رام
۸	تُثِيرُ الْأَرْضَ	که زمین را شیار کند
۹	وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ	و نه کشت زار را آبیاری کند
۱۰	مُسَلَّمَةٌ	تندرست
۱۱	لَا شِيَةَ فِيهَا	یک رنگ

۲. ۳. ۱. ۲. پیوند افزایشی با استفاده از جمله امیدبخش

کلمه «لعلّ» در زبان عربی برای جمله‌ای می‌آید که امیدی به انجام گرفتن آن می‌باشد (شرتونی، ۱۳۹۱: ۲۲۱). در این آیات، یک بار آمده است و بر سر جمله اسمیه قرار گرفته است. بعد از اینکه گاو را ذبح می‌کنند و قسمتی از آن را بر بدن شخص مرده می‌زنند، او زنده می‌شود و قرآن کریم اشاره به این آیات کرده و اینگونه می‌گوید:

(لَعَلَّكُم تَعقِلُونَ ...) (۷۳) یعنی امید اســت که بعد از اینکه این آیات را دیدند، فکر خود را به‌کار بگیرند. این عبارت، یک مفهومی را بر متن اضافه کرده است؛ گویی یک نوع افسوس و دریغ است که خداوند نسبت به آن قوم می‌گوید و ای کاش قبل از اینکه دلهایشان سخت شود، ایمان آورده بودند. اما در آخر هم ایمان نمی‌آورند.

۲. ۳. ۱. ۲. پیوند افزایشی با جمله دعایی

یکی از موارد که باعث ایجاد پیوند افزایشی شده است، جمله دعایی است که یک بار آمده است. این جمله دعایی، از زبان بنی‌اسرائیل است که بعد از آن همه تعلل و بهانه‌جویی، با زبان دعایی می‌گویند: (إِنْ شَاءَ اللّهُ ...) (۷۰)

گویی این جمله دعایی، یکی دیگر از بهانه‌های قوم بنی‌اســرائیل اســت. یعنی آن قوم، با این که ۶ تا ویژگی از ویژگی‌های آن گاو را شـنیده بودند، اکنون باز هم راهیابی خود در زمینه دسـتور خداوند را منوط به دانسـتن ویژگی‌های دیگری از آن می‌دانند.

۲. ۳. ۱. ۳. پیوند افزایشی با جمله حالیه

جمله حالیه از نظر نحوی، فضله حساب می‌شود. با این وجود، گاهی برای تکمیل معنا، باید آورده شود (شرتونی، ۱۳۹۱: ۲۹۷). در این آیات منتخب، دو مورد جمله حالیه وجود دارد که باعث ایجاد پیوند افزایشی شده است. ابتدا اشاره به تعلل و تردید در به جای آوردن امر الهُی دارد: (وَ ما کادوا یفعلون...)

در رابطه این عبارت آمده است که که ذبح حیوان و به جای آوردن امر الهی از این طریق، در یک زمان مشخصی انجام نگرفت که بگوییم، به خاطر دستور الهی، آن ذبح را انجام دادند (الجامی، ۱۴۲۱: ۲/ ۵۶).

دومین مورد، در اشاره به سخت شدن دلهای قوم بنی‌اسرائیل دارد. بعد از این که قسمتی از گوشت را به بدن مرده زدند، باز هم ایمان نیاوردند و دلهایشان، همچون سنگ سخت شد: (فَهِیَ کَالحِجارَةِ ....) (۷۴)

در تفسیر آمده است که این قوم، به جایی رسیده بودند که حتی سنگ هم از دل‌های آنها نرم تر بود. به گونه‌ای که به هیچ انسانی کمک نمی‌کردند و دست هیچ انسان در راه مانده‌ای را نمی‌گرفتند و بویی از انسانیت هم نداشتند (راوندی، ۱۴۱۸ق: ۱/ ۲۸۸). بنابراین این دو جمله، مطالبی را بر تعلل و سنگدلی آن قوم می‌افزایند که باعث ایجاد پیوند افزایشی

شده‌اند.

۲. ۳. ۱. ۴. پیوند افزایشی با حروف

حروف، یکی از عوامل مهم در انسجام پیوندی این آیات می‌باشند. در این آیات، حروف «واو»، ۱۱ بار «أو»، ۱ بار و «إنَّ» ۳ بار تکرا شده‌اند که پیوند افزایشی را ایجاد کرده است. یکی از موارد استفاده از حرف ربط وقتی است که صفت‌ها را می‌خواهد بشمارد، از این حرف برای عطف صفات به یکدیگر استفاده می‌شود:

(وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ ...) (وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ...)

یکی دیگر از مواردی که حرف عطف «واو» آمده و باعث ایجاد پیوند افزایشی شده است زمانی است که می‌خواهد یک جمله را شرح و گسترش دهد: (وَإِنَّ مِنَ الهِجارةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنهُ الأَنهارُ وَإِنَّ مِنهَا لَمَا يَشَّقّقُ فَيَخرُجُ مِنهُ المَاءُ وَ إِنَّ مِنهَا لَمَا يَهبِطُ مِن خَشيَةِ اللهِ) در این آیه، حرف عطف «واو» ۴ بار برای گسترش و شرح جمله قبلی آمده است؛ ابتدا اشاره به سخت شدن دل‌های بنی‌اسرائیل بعد از آن همه نشانه را می‌گویند و آن را به سنگ سخت تشبیه می‌کند. اما در ادامه برای نشان دادن بدی کار این قوم، صفاتی دیگر را برای سنگ می‌آورد. گاهی حرف عطف «واو» برای عطف دو جمله می‌آید، به گونه‌ای که تأکید یک جمله را بیشتر کند:

(وَإِذ قَتَلتُم نَفسًا فَادّارَءتُم فِيهَا وَاللهُ مُخرِجٌ مَّا كُنتُم تَكتُمُونَ) (۷۲)

(فَقُلنَا اضرِبُوهُ بِبَعضِهَا كَذَلِكَ يُحيِ اللهُ المَوتَى وَ يُرِيكُم آياتِهِ لَعَلَّكُم تَعقِلُونَ) (۷۳)

یکی دیگر از حروف عطف، «أو» می‌باشد. هنگامی که خداوند دل‌های قوم بنی‌اسرائیل را وصف می‌کند:

(أَو أَشَدَّ قَسوَةً ...) «قسوة» در لغت به معنای سخت و سنگدلی است به طوری که رحم و مروت و خشوع، از بین برود و انسان، خشونت به خرج دهد (مصطفی و همکاران، ۱۳۹۲ هـ ق: ۷۳۵). قوم بنی‌اسرائیل نه حق خداوند را به جای می‌آوردند، نه با مال‌هایشان صدقه می‌دادند، نه با نیکی انسان‌ها را بزرگ می‌داشتند، نه میهمانی دعوت می‌کردند، نه دست انسان مصیبت دیده را می‌گرفتند و چیزی از انسانیت در انها باقی نمانده بود (قمی مشهدی، ۱۴۲۳ ق: ۲/ ۵۳).

از دیگر حروف، حرف «إنَّ» است که در زبان عربی و متون کلاسیک، برای تأکید می‌آید. این حرف، ۱۲ مرتبه در این آیات تکرار شده است. به این دلیل به این حرف «حرف مشبهة بالفعل» می‌گویند که در واقع، علاوه بر شباهت در تعداد حروف، به معنای «تأکید می‌کنم» هم آمده است (شرتونی، ۱۳۹۱: ۲۲۰). این دوازده مورد معنایی را به معنای جملات می‌افزاید. از دیگر سو، عبارت «إنّه یقولُ» و «إنّها بقرة» هر کدام ۳ بار تکرار شده‌اند که دال بر لجاجت قوم بنی‌اسرائیل و قاطعیت حضرت موسی (ع) در پاسخ به آنها را دارد.

جدول شماره ۲: پیوند افزایشی با استفاده از حروف

کلمه	آیه	شماره آیه	تعداد
و	وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ	٦٨	١
و	وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُون	٧٠	١
و	وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُون	٧١	٢
و	وَإِذ قَتَلتُم نَفسًا فَادّارَءتُم فِيهَا وَاللهُ مُخرِجٌ مَّا كُنتُم تَكتُمُونَ	٧٢	٢
و	وَ يُرِيكُم آياتِهِ	٧٣	١
و	وَإِنَّ مِنَ الهِجارةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنهُ الأَنهارُ وَإِنَّ مِنهَا لَمَا يَشَّقّقُ فَيَخرُجُ مِنهُ المَاءُ وَ إِنَّ مِنهَا لَمَا يَهبِطُ مِن خَشيَةِ اللهِ وَمَا اللهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعمَلُونَ	٧٤	٤
أو	أَو أَشَدَّ قَسوَةً	٧٤	١

إنّ	وَإِنَّ مِنَ الهِجارةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنهُ الأَنهارُ وَإِنَّ مِنهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخرُجُ مِنهُ المَاءُ وَ إِنَّ مِنهَا لَمَا يَهبِطُ مِن خَشيَةِ اللهِ	٧٤	٣
	«إنّه يقولُ»	٧٤	٣
	«إنّها بقرة»	٧٤	٣

اگر بخواهیم جدولی برای بسامد پیوند افزایشی قرار دهیم، به شکل زیر خواهد بود:

جدول شماره ۳: بسامد تکرار پیوند افزایشی

ردیف	نوع	تکرار	درصد
۱	پیوند افزایشی با حروف	۲۱	۵۸٫۳۳
۲	پیوند افزایشی با صفت	۱۱	۳۰٫۶۰
۳	پیوند افزایشی با جمله حالیه	۲	۵٫۵۵
٤	پیوند افزایشی با جمله دعائی	۱	۲٫۸۰
٥	پیوند افزایشی با جمله ترجی	۱	۲٫۸۰
مجموع	٥	٣٦	٪۱۰۰

۳. ۲. ۲. پیوند تقابلی

این نوع پیوند، به رابطه‌ای گفته می‌شود که در آن، گزاره دوم در تضاد، اصلاح یا تعدیل گزاره نخست قرار می‌گیرد و انتظار معنایی ایجاد شده در جمله اول را نقض یا محدود می‌کند و از این طریق، تنش گفتمانی را در متن برجسته می‌سازد(Hatmal Odeh Al-Khalidy, 2018: p 207). هالیدی و حسن معتقدند که پیوند تقابلی، با ادواتی مثل (أم، بل، لکن، رغم، غیر أنّ و ..) می‌آید (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۲۵۱).

از نظر هالیدی و حسن، پیوندهای تقابلی، رابطه‌ای را ایجاد می‌کنند که در آن گزاره دوم، در تضاد، اصلاح، محدودسازی یا نقض گزاره نخست قرار داد (احمدی و استواری، ۱۳۹۰: ۱۴). در این آیات، تقابل بیشتر در سطح معنایی و گفتمانی رخ می‌دهد و ابزار نحوی صریح همیشه لازم نیست. در ابتدای آیات، خداوند دستور می‌دهد تا گاوی را ذبح کنند: (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً) در ادامه تقابل فرمان الهی و مقاومت قوم مشاهده می‌شود: (قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ...) در تفسیر آن عبارت هم آمده است که قوم بنی‌اسرائیل، به پیامبرشان بی‌ادبی می‌کردند و آزار می‌دادند و او را شخصی مسخره‌کننده می‌پنداشتند. همچنین سخنش را بیهوده خوانده و هی او را سؤال‌پیچ می‌کردند (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱/ ۱۹۹). حضرت موسی (ع)، به تقابل آنها با فرمان الهی، اینگونه جواب می‌دهد: (قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ)

پاسخ حضرت موسی (ع) نیز اندیشه آن قوم را در مورد مسخره بازی جلوه دادن و یا سهل انگار دانستن کلام پیامبر الهی، رد می‌کند. از منظر هالیدی و حسن، این نوع پیوند تقابلی نشان می‌دهد که انسجام متن فقط از طریق توالی معنایی نیست، بلکه تضاد و تقابل نیز ساختار متن را شکل می‌دهد (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۵۹). اما ماجرای بهانه‌جویی و تقابل همچنان ادامه پیدا می‌کند و قوم بنی‌اسرائیل، باز هم سوالات متعددی می‌پرسند: (قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ...) (قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا)

یکی از ویژگی‌های این گاو، زردی غلیظ آن بود. این امر باعث شده بود تا همه کسانی که او را می‌دیدند، حیران و سرگشته می‌شدند. حتی از امام صادق (ع) هم نقل است که چون رنگ زرد، باعث خوشحالی و مسرت است، این گاو هم رنگش زرد بوده و باعث مسرت مردم شده است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱/ ۲۷۴). در ادامه کلام قوم بنی‌اسرائیل، حضرت

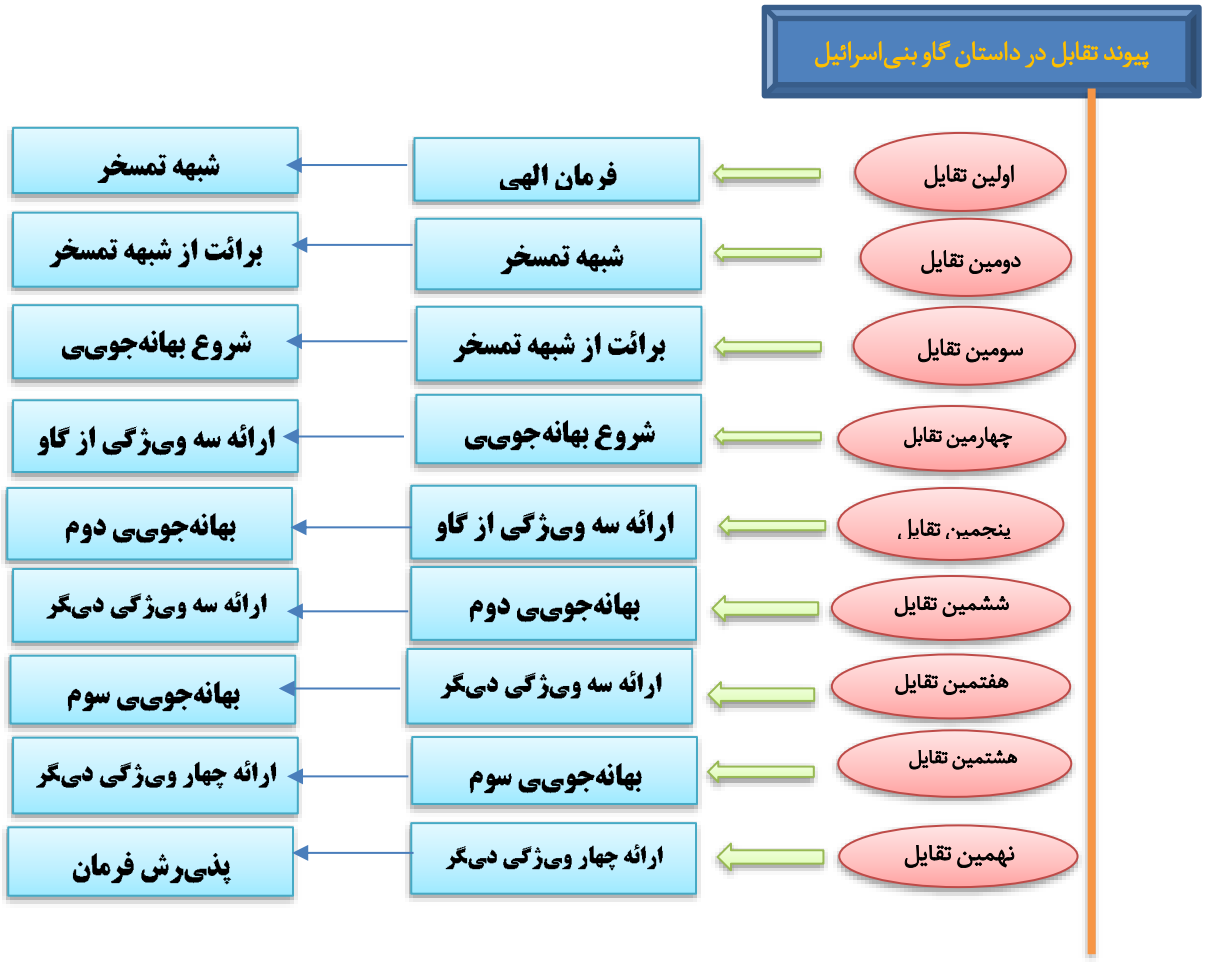
موسی(ع)، جزئیات و قیود بسیاری را می‌آورد و با این روش به تقابل با آنها می‌پردازد: «(قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ) (بقره: ۶۹) افزودن قیود درباره رنگ گاو نوعی مقاومت و تعلل است. پاسخ موسی (ع) نیز تقابلی است: (قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا) در این آیه، تقابل به اوج خود می‌رسد. قوم بنی‌اسرائیل، به‌خاطر شناخته شدن قاتل، یک نوع ترسی در دل خود داشتند و نزدیک بود که این کار را انجام ندهند (طوسی، ۱۴۱۳: ۱/ ۳۰۱). به همین دلیل دائماً به تقابل دست می زدند:

جدول شماره ٤: بسامد پیوند تقابل

ردیف	جمله	تقابل
۱	وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً	قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا
۲	قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا	قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ
۳	قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ	قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ
٤	قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ	قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ
٥	قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ	قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا
٦	قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا	قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ
۷	قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ	قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا
۸	قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا	قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا
۹	قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا	قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ
۱۰	وَإِذ قَتَلْتُم نَفسًا فَادَّارَءتُم فِيهَا	وَاللهُ مُخرِجٌ مَّا كُنتُم تَكتُمُونَ

اگر بخواهیم نموداری برای پیوند تقابلی بکشیم، به شکل زیر خواهد بود:

نمودار شماره ۲: نمودار پیوند تقابلی در داستان گاو بنی‌اسرائیل





بنابراین پیوندهای تقابلی در آیات مربوط به بهانه‌جویی قوم بنی‌اسرائیل و در ده نقطه، باعث برجسته کردن مقاومت و لجاجت، ایجاد انسجام معنایی بر پایه تضاد، تقویت پیام آموزشی متن و نیز تشدید بعد روایی متن شده است.

۲. ۳. ۳. پیوند سببی

در پیوند سببی، گزاره دوم، به عنوان نتیجه، دلیل یا پیامد گزاره نخست مطرح می‌شود. این نوع پیوند، منطق درونی متن را سازمان‌دهی کرده و انسجام علّی آن را شکل می‌دهد (Shahzadi, K. & Anwar, N. (2022: 75) . طبق نظر هالیدی و حسن، پیوندهای سببی معمولاً به شکل نشانه‌های آشکار مانند *فاء، لذا، لذلک، علی هذا و إذن، ثمّ و غیره* و یا به صورت رابطه معنایی بین فعل و نتیجه آن ظاهر می‌شوند (Halliday & Hassan. 1976: 257). در آیات ۶۷ تا ۷۴ سوره بقره، مهمترین مسئله در داستان گاو ماده بنی‌اسرائیل، همان فرمانی است که خداوند برای ذبح گاو و به‌منظور یافتن حقیقت قتل فردی از این قوم، می‌دهد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱/ ۸۷): (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنّ اللّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً ...) پرسش‌های قوم بنی‌اسرائیل، درخواست توضیحات و بهانه‌جویی‌ها، همه معلول فرمان اولیه الهی هستند. از نظر هالیدی و حسن، این رابطه علت و معلولی، انسجام متن را تقویت می‌کند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۸۵: ۱۱۵). علت اصلی ذبح گاو، زنده شدن مرده است (سیدقطب، ۱۴۲۵ق: ۱/ ۸۰). هر پرسش قوم معلول ابهام و عدم فهم آن‌ها نسبت به فرمان الهی است و پاسخ موسی (ع) نتیجه مستقیم همان پرسش‌هاست: (قَالَ إِنّهُ يَقُولُ إِنّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الآنَ جِئْتَ بِالْحَقّ فَذَبَحُوهَا)

در اینجا، توضیح ویژگی‌های گاو توسط حضرت موسی (ع) علت اطاعت نهایی قوم را نشان می‌دهد؛ ویژگی‌هایی مانند «لا ذلول... لا شیة فیها»، موجب می‌شوند که قوم بپذیرد که فرمان الهی را باید اجرا کنند. در ادامه آمده است: (فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللّهُ الْمَوْتَى ...) این آیه هم علت و معلول در معجزه احیای شخص مقتول را می‌رساند. در ادامه، علت و معلول را در واکنش قوم و قساوت دل آنها می‌توان دید: (ثُمّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ ...) گفته می‌شود که «یکی از ویژگی‌های بارز بنی‌اسرائیل، قساوت قلب بود که باعث می‌شد مخالفت عادی آنان، تبدیل به دشمنی و مخالفت‌های علنی گردد و عامل بسیاری از درگیری‌ها و جنگ‌ها شود» (هاشمی دهسرخی، ۱۳۹۹: ۱۹۰).

جدول شماره ۵: بسامد پیوند سببی

ردیف	علت	معلول
۱	وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنّ اللّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً	قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا
۲	قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا	قَالَ أَعُوذُ بِاللّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ
۳	قَالَ إِنّهُ يَقُولُ إِنّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ	فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ
٤	قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا	وَإِنّا إِنْ شَاءَ اللّهُ لَمُهْتَدُونَ
٥	قَالُوا الآنَ جِئْتَ بِالْحَقّ	فَذَبَحُوهَا
٦	وَإِذ قَتَلتُم نَفسًا فَادّارَءتُم فِيهَا	وَاللهُ مُخرِجٌ مَّا كُنتُم تَكتُمُونَ
٧	فَقُلنَا اضرِبُوهُ بِبَعضِهَا	كَذَلِكَ يُحيِ اللهُ المَوتَى وَ يُرِيكُم آيَاتِهِ
٨	وَإِنَّ مِنهَا لَمَا يَشَّقَّقُ	فَيَخرُجُ مِنهُ المَاءُ

با توجه به این جدول، پیوند سببی در ۸ نقطه رخ داده است. بدین شکل که جملاتی آمده‌اند که معلولی برای جمله

ما قبل خود می‌باشند.

۲. ۳. ۴. پیوند زمانی

این نوع پیوندبه رابطه‌ای اشاره دارد که توالی، هم زمانی یا تقدم و تأخر رویدادها را در متن نشان می‌دهد و انسجام روایی را از طریق سامان دهی زمانی وقایع تأمین می‌کند (Hatmal Odeh Al-Khalidy (2018: 208). در رابطه با پیوند زمانی در زبان عربی، ادواتی مانند *'ثم، فاء، بعد، واو، منذ، کلما، بینما، حین، فی:* را به عنوان نشانه در نظر گرفته‌اند (رمضان التجار، ۲۰۰۶: ۲۹۰)

زمان این داستان قرآنی، دوران رسالت حضرت موسی (ع) است. پیوندهای زمانی طبق نظر هالیدی و حسن، ترتیب وقوع رویدادها، توالی وقایع و تقدم و تأخر زمان بین فعل‌ها و گزاره‌ها را نشان می‌دهد. همچنین آنها معتقدند که پیوندهای زمانی، به متن نظم منطقی و روانی می‌دهد (Halliday & Hassan, 1976: 238). اولین ترتیب زمانی در رابطه با فرمان الهی و واکنش اولیه است: (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ ... قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ...) واژه «وإذ» یک نشانه آشکار پیوند زمانی است که نشان می‌دهد وقتی موسی (ع) فرمان ذبح گاو را صادر کرد، واکنش قوم رخ داد. این نشانه زمانی، توالی وقایع را روشن می‌کند: ابتدا فرمان، سپس واکنش و پاسخ موسی (ع). بدیهی است که بدون این پیوند، متن ممکن است به شکل یک گزاره‌های پراکنده دیده شود. از نظر هالیدی و حسن، این نوع پیوند زمانی باعث انسجام سطح متن و پیوند معنایی وقایع می‌شود و خواننده را در درک مرحله‌به‌مرحله فرمان و واکنش‌ها هدایت می‌کند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

یکی از پیوندهای زمانی را می‌توان در ترتیب زمانی پرسش‌های تدریجی قوم مشاهده نمود: (قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ...) این پرسش‌ها نمونه‌ای از توالی زمانی تدریجی هستند. اینگونه است که آنها، ابتدا در رابطه با نوع گاو می‌پرسند و انها، در رابطه با رنگ آن و در مرحله بعد هم در رابطه با ویژگی‌های آن. در نظر هالیدی و حسن، رابطه زمانی این است که هر پرسشی، بعد از دریافت پاسخ قبلی، رخ دهد و نه به صورت یک سان و در یک زمان (همان منبع: ۱۱۵).

ترتیب زمانی دیگر را می‌توان در توضیح ویژگی‌های گاو دانست: (قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ ... قَالُوا الآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا ...) این آیه نشان می‌دهد که ابتدا، قوم ویژگی‌های آن گاو را می‌پرسند. بعد ویژگی‌ها توسط حضرت موسی (ع)، گفته می‌شود. بعد از آن، قوم، از فرمان الهی اطاعت می‌کنند. آنگاه در آخر، به ذبح گاو، روی می‌آورند. کلمه «الآن»، نشان می‌دهد که قبلا، رخدادی انجام شده و الآن هم رخداد جدیدی رخ می‌دهد.

یکی از ترتیب‌های زمانی دیگر، زمانی است که گوشت گاو را بر بدن مرده می‌زنند و او زنده می‌شود: (فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى...) حرف «فَ» در این آیه، نشان می‌دهد که یک نوع پیوند زمانی میان دستور و نتیجه معجزه‌آسا وجود دارد؛ ابتدا دستور ذبح داده شد، آنگاه بعد از ذبح، دستور داده شد که قسمتی از آن را به بدن مرده بزنند. آنگاه به اذن خداوند، زنده می‌شود. در تفسیر هم آمده است که آن شخص مرده، در نهایت زنده شد و قاتل خود را معرفی نمود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳: ص ۵۴۴).

آخرین زمان، مربوط به عکس العملی است که در دل‌ها دیده می‌شود: (ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ ...) در این آیه، کلمه «ثمّ»، یک پیوند زمانی آشکار را ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که بعد از همه معجزات و رخدادها، دل‌های قوم، سخت شد.

جدول شماره ٦: بسامد پیوند زمانی

ترتیب زمانی	آیه	رخداد
زمان اول	وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً	دستور خداوند برای ذبح گاو

زمان دوم	قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا	بهانه اول قوم بنی‌اسرائیل
زمان سوم	قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ	جواب دادن حضرت موسی (ع)
زمان چهارم	قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ	بهانه دوم قوم بنی‌اسرائیل
زمان پنجم	قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ	جواب دادن حضرت موسی (ع)
زمان ششم	قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا	بهانه سوم قوم بنی‌اسرائیل
زمان هفتم	قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ	جواب دادن حضرت موسی (ع)
زمان هشتم	قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا	بهانه چهارم قوم بنی‌اسرائیل
زمان نهم	قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا	جواب دادن حضرت موسی (ع)
زمان دهم	قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ	جواب قوم بنی‌اسرائیل
زمان یازدهم	فَذَبَحُوهَا	انجام عمل ذبح
زمان دوازدهم	فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا	زدن گوشت گاو به بدن مرده
زمان سیزدهم	كَذَلِكَ يُحْيِ اللَّهُ الْمَوْتَى	زنده شدن مرده
زمان چهاردهم	ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ	سنگدل شدن قوم بنی‌اسرائیل
زمان پانزدهم	يَشَّقَّقُ	اشاره توصیفی به شکافته شدن سنگ
زمان شانزدهم	فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ	اشاره به خروج آب از دل سنگ

بنابراین این داستان در بازه زمانی ۱۶ قسمت بیان شده است. این امر باعث شده تا انسجام متن شکل گیرد.

۳. بحث و تطبیق یافته‌ها:

در پاسخ به سوال اول که به شکل زیر بود،

۱. پیوندهای ربطی چگونه به شکل‌گیری تدریجی بهانه‌جویی قوم بنی‌اسرائیل کمک می‌کنند؟

یافته‌ها نشان داد که پیوندهای افزایشی، تقابلی، سببی و زمانی نه تنها جمله‌ها و بندها را به هم متصل می‌کنند، بلکه فرایند گام‌به‌گام اعتراض و تعلل را نیز بازنمایی می‌سازند. پیوندهای افزایشی، نشان داد که زنجیره پرسش‌ها و پاسخ‌ها بسیار هستند؛ پیوندهای تقابلی نشان داد که میان فرمان الهی تا اجرای آن، تضاد و مقاومت‌های بسیاری بوده است؛ پیوندهای سببی هم نشان داد که قوم بنی‌اسرائیل، بهانه‌ها را برای توجیه کم ایمانی خود به‌کار می‌بردند؛ آخر هم پیوندهای زمانی نشان داد که بین گفتمان این داستان، یک نوع توالی منطقی وجود دارد.

۲. تحلیل این پیوندها چه کاربردی در آموزش قرآن دارد؟

یافته‌ها نشان داد که نظریه انسجام متن هالیدی و حسن، ابزاری کارامد برای تحلیل لایه‌های پنهان معنایی در قصص قرآنی است. تحلیل پیوندهای ربطی در آیات ۶۷ تا ۷۴ سوره بقره، این نتیجه را به دست داد که بهانه‌جویی قوم بنی‌اسرائیل، یک پدیده دفعی و آنی نیست، بلکه «فرآیند گفتمان تدریجی» است. از منظر آموزشی، رویکرد زبان‌شناختی هالیدی و حسن ابزار مؤثری برای تحلیل رفتارهای زبانی در متن‌های قرآنی و ارتقای روش‌های تدریس است.

۴. نتیجه‌گیری

تحلیل آیات نشان داد که هر چهار نوع پیوند ربطی (افزایشی، تقابلی، سببی و زمانی) به صورت هماهنگ، فرایند تدریجی بهانه‌جویی را می‌سازند:

در زمینه پیوند افزایشی، مهمترین علت، انباشت بهانه‌ها هستند. قوم بنی‌اسرائیل، فرمان ساده خداوند را به صورت پیچیده و مبهم تبدیل می‌کنند و فضای تعلل را گسترش می‌دهند. بیشترین عامل پیوند افزایشی، آوردن صفات

یازده‌گانه برای گاو ماده می‌باشد. این پیوند، مجموعاً ۳۶ بار تکرار شده‌اند و ۵۱/۴۲ درصد از بسامد انسجام پیوندی را به خود اختصاص داده است.

در زمینه پیوند تقابلی هم، یک مسأله‌ای بین «تنش و مقاومت» وجود دارد. تقابل اصلی میان فرمان الهی و واکنش قوم است. هر بار که قوم سؤالی می‌پرسند، در واقع در برابر وضوح بودن فرمان الهی می‌ایستند. اوج این تنش‌ها را می‌توان پس از اطاعت ظاهری دانست. این تقابل در برابر فرامین الهی، در ۱۰ مورد اتفاق افتاده و ۱۴/۳۰ درصد از بسامد انسجام پیوندی را به خود اختصاص داده است.

در پیوند سببی هم باید گفت که منطق بهانه‌جویی را شکل می‌دهند. در نگاه اول، پرسش‌های پیاپی بی‌منطق به‌نظر می‌رسند، اما پیوندهای سببی به آن‌ها نوعی منطق واهی می‌بخشد. در ۸ نقطه مشاهده شد و با بسامد ۱۱/۴۲، کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

در پیوند زمانی هم، مراحل بهانه‌جویی را می‌توان یافت که استفاده از ادواتی مانند «إذ»، «فاء»، «ثمّ»، به متن، خاصیت گام‌به‌گام را داده است. این مورد، زمان ترتیبی داستان را از لحظه فرمان تا زنده شدن مرده، به ۱۶ قسمت تقسیم کرده و شامل ۲۲/۸۵ درصد از بسامد انسجام پیوندی است.

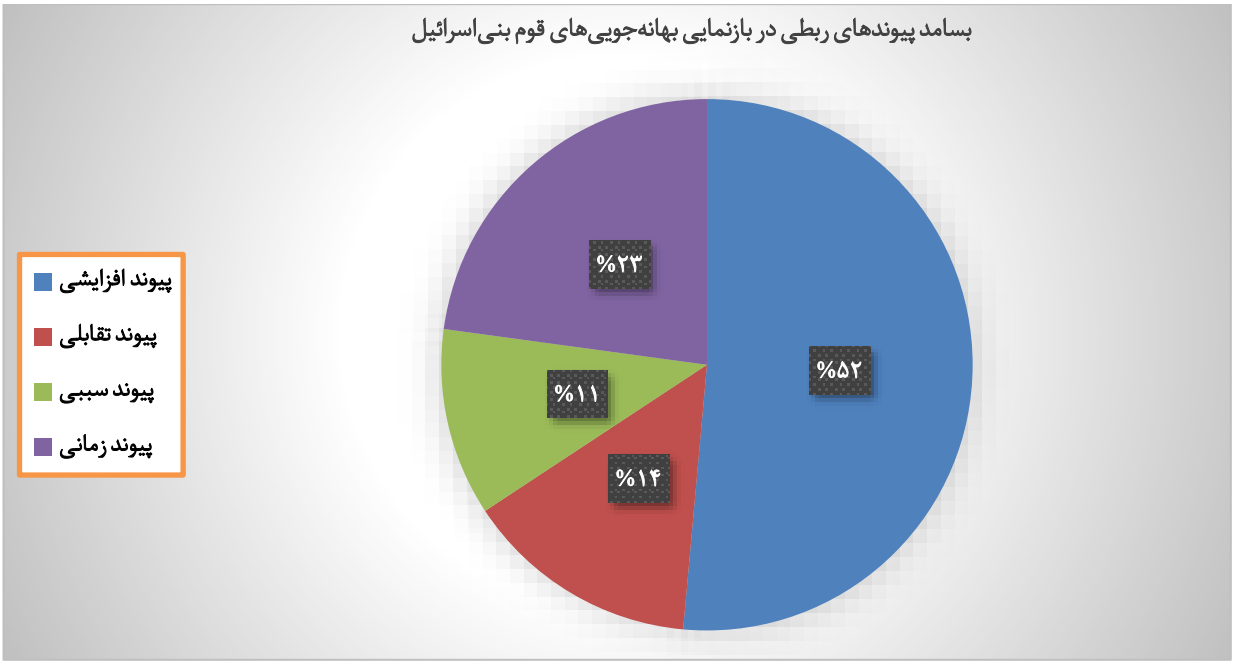
بنابرین پیوندهای ربطی در این داستان، صرفاً ابزار دستوری نیستند، بلکه معماران گفتمان بهانه‌جویی هستند. انها با همکاری هم، یک فرمان ساده را به یک بحران تعلل تبدیل می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه یک رفتار نادرست (بهانه‌جویی)، از طریق زبان ساخته و پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۷: تناسب پیوندی در آیات ۶۷ تا ۷۴

ردیف	پیوند	تعداد تکرار	درصد از کل
۱	افزایشی	۳۶	۵۱/۴۲
۲	تقابلی	۱۰	۱۴/۳
۳	سببی	۸	۱۱/۴۲
۴	زمانی	۱۶	۲۲/۸۵
مجموع	۴	۷۰	۱۰۰ درصد

اگر نموداری برای بسامد تکرار هر یک از پیوندهای انسجام متن در آیات ۶۷ تا ۷۴ بیاوریم، به صورت زیر خواهد بود:

نمودار شماره ۳: بسامد پیوندهای ربطی در آیات ۶۷ تا ۷۴ سوره مبارکه بقره



طبق این نمودار، پیوند افزایشی با ۵۱/۴۲ درصد، از حجم، بالاترین و ارتباط سببی با ۱۱/۴۲ درصد، پایین‌ترین نقش را در ارتباط پیوندی ایفا کرده‌اند. بیشترین عامل ایجاد انسجام پیوندی در داستان گاو ماده بنی‌اسرائیل، پیوند افزایشی است که دلیل آن هم آورده صفات و ویژگی‌های گاو ماده برای سؤالات بی‌اساس قوم بنی‌اسرائیل است. این نتیجه حاصل می‌شود که دانستن عوامل پیوند جملات در داستان‌های قرآنی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد علاقه به داستان‌های قرآنی ایفا کند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی.

۱. آذرنژاد، شکوه. (۱۳۸۵). مطالعه مفهوم انسجام واژگانی در قرآن کریم (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور.

۲. آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان انتقادی (چاپ سوم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. احمدی، علیرضا، و استواری، اصلان. (۱۳۹۰). «انسجام متنی: ابزاری زبان‌شناسی برای شناخت سبک‌های ادبیات فارسی». مجله مطالعات زبانی بلاغی، سال دوم (شماره سوم)، ۷-۲۰.

۴. اسکندری، مهنوش و علی سعیدی. (۱۴۰۳). کاربست عناصر انسجام متن بر اساس نظریه‌ی هالیدی و حسن در غزلی از حافظ و ترجمه روسی آن. پژوهش ادبیات معاصر جهان. دوره ۲۹، شماره یک، ۲۴۱ - ۲۶۱.

۵. امین، سید مهدی. (۱۴۰۰). موسی و مشکلات رهبری بنی‌اسرائیل از دیدگاه قرآن و حدیث. تهران: بیان جوان.

۶. پیرانی، علی؛ فلاحتی، صغری؛ ربیعی، معصومه. (۱۳۹۸). انسجام پیوندی و جلوه‌های زیبایی آن در مقامه ساویه حریری. نشریه زبان و ادبیات عربی، ۱۰(۲)، (۱۹)، ۹۵-۱۱۴.

۷. تیموری، احمد؛ سیدی، سید حسین؛ حیدریان شهری، احمد رضا. (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان سوره نازعات براساس الگوی فرانقش متنی هالیدی. پژوهش‌های ادبی -قرآنی، ۱۱ (۴)، ۳۶ - ۶۰.

۸. تیموری، احمد؛ سیدی، سید حسین؛ حیدریان شهری، احمد رضا. (۱۴۰۳). تحلیل مولفه‌های انسجام در سوره نبا براساس الگوی فرا نقش متنی هالیدی. مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، ۸(۲)، ۹۸-۱۱۷.

۹. الجامی، عبدالرحمن. (۱۴۲۱ق). شرح ملا جامی علی متن الکافیة في النحو. بیروت لبنان: دار إحیاء التراث العربي.

۱۰. الحویزی، العروس، و عبدالعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.

۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات في غریب القرآن. دمشق: دار القلم.

۱۲. راوندی، قطب‌الدین. (۱۴۱۸ق). قصص الأنبیاء. قم: الهادی.

۱۳. رمضان‌التجار، نادیه. (۲۰۰۶). علم اللغة النص: بین النظریة والتطبیق، الخطابة النبویة نموذجا. علوم اللغة، العدد الثاني، المجلد التاسع. العدد ۲، ۲۸۵ - ۳۵۵.

۱۴. زارع آفرین، و فریبا روستایی. (۲۰۲۳). السبک في النص القرآنی وفقا لنظریة هالیدای و حسن (سورة طه نموذجا). مجلة التواصلیة، ۹(۴)، ۷۵-۹۵.

۱۵. الزمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر. (۶۸۲ق). تفسیر الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل في وجوه التأویل. بیروت: دار إحیاء التراث الاسلامی.

۱۶. سلطانی، سیدعلی اصغر. (۱۳۹۶). نگارش دانشگاهی: پاراگراف‌نویسی (جلد ۱ و ۲). قم: لوگوس.

۱۷. سیدی، سیدحسین و قلعه‌جوقی، سمیه‌بیگ. (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان دو سوره فلق و ناس براساس الگوی فرانقش متنی هالیدی، فصلنامه علمی پژوهش‌های قرآنی، سال هفتم، شماره دوم،۱۰۹ - ۱۳۰.

۱۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۴۱۵ق). الدر المنثور في التفسیر بالمأثور. بیروت: دار الفکر.

۱۹. شرتونی، رشید. (۱۳۹۱). مبادئ العربیة في الصرف و النحو. تهران: اساطیر.

۲۰. طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان في تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان.

۲۱. طبرسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۱۲ق). جامع البیان في تفسیر القرآن. بیروت لبنان: دارالمعرفة.

۲۲. طوسی، شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۴۱۲ق). البیان في تفسیر القرآن. بیروت لبنان: دار إحیاء التراث العربی.

۲۳. طوسی، شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۴۱۳ق). تفسیر التبیان. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

۲۴. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین، سیدهاشم رسولی محلاتی). قم: اسماعیلیان.

۲۵. فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲۶. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: مکتبة الصدر.

۲۷. قمی مشهدی، محمدرضا. (۱۴۲۳ق). تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب. قم: دارالغدیر.

۲۸. لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۸۵). درآمدی بر اصول و روش ترجمه. تهران: نشر دانشگاهی.

۲۹. مختاری، قاسم؛ خدابخش‌نژاد، مهرانگیز. (۱۳۹۷). تحلیل زیباشناسی آیات قرآن کریم بر پایه عنصر انسجام و پیوستگی؛ بررسی نمونه‌ای سوره‌های جزء سی‌ام. دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ۷(۱)، ۱۰۷-۱۲۶.

۳۰. مصطفی، ابراهیم، و همکاران. (۱۳۹۲ق). المعجم الوسیط (جلد ۱ و ۲). القاهرة: دار الدعوة.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۳۲. موسوی‌پناه، سیداحمد. (۱۴۰۳). «مقاربة لسانية لآليات الترابط النصّی في الدعاء السابع من الصحيفة السجادية على ضوء منهجية رقية حسن و مايكل هاليداي»، دراسات في النقد الأدب العربی، العدد (۲۸)، السنة ۱۵، ۱۹۵ - ۲۱۲.

۳۳. مهاجر، مهران، محمد و نبوی، محمد . (۱۳۹۳). به سوی زبان‌شناسی شعر. تهران: آگه.

۳۴. نورائی‌نیا، زهره؛ فراتی، علی‌اکبر. (۱۴۰۳). کارکرد پیوندهای انسجامی جانشینی در مفهوم‌شناسی «کفر» با تکیه بر آیات سوره بقره و با استفاده از نظریه مایکل هالیدی، مجله پژوهش‌های ادبی -قرآنی، ۱۲ (۱)، ۴۱ - ۵۴.

۳۵. نیازی، شهریار ؛ قاسمی‌اصل، زینب. (۱۳۹۷). تحلیل زبان‌شناختی متون عربی (با تکیه بر دستور نقش‌گرای هلیدی)، دوم، تهران: علمی.

۳۶. هاشمی دهسرخی، سید محمود. (۱۳۹۹). فرجام‌شناسی انحرافات اجتماعی بنی‌اسرائیل از منظر قرآن. تهران: مؤلف.

۳۷. هالیدی، مایکل و حسن، رقیه. (۱۳۹۳). زبان، بافت، متن، ایعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی، ترجمه: محسن نوبخت، تهران: سیاهرود.

۳۸. یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۷۴). پانزده مقاله در زبان‌شناسی مقابله‌ای و ساخت زبان فارسی: دستور، متن و گفتمان. تهران: رهنما.

39. Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.

40. Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (1984). *Cohesion in English*. London: Longman.

41. Hatmal Odeh Al-Khalidy. (2018). The use of conjunctions as grammatical cohesion in the speeches of Her Majesty Queen Rania of Jordan. *International Journal of Applied Linguistics and English Literature*, *7*(5), 207-211.

42. Maisa Yahya Abu-athreh, Ashinida Aladdin. (2025). Cohesion in Qur'anic Narrative: A Study of Monologue & Dialogue Patterns in Surat al-Kahf (Chapter of the Cave). *GEMA Online Journal of Language Studies*, *25*(3). pp. 642–664.

43. Shahzadi, K., & Anwar, N. (2022). A corpus-based study of additive and adversative in clause complex: The case of British and Pakistani research discourse. *Corporum: Journal of Corpus Linguistics*, *5*(2), 74-94.